



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

- شوری دیگر به جان جشنواره افتاد
- رویاهایتان را متحرک سازی کنید
- سرعت نسبی زمان
- زعفران و بادام (گفتگو با هیأت‌داوران بخش مسابقه ایران)
- من نفیسه ریاحی هستم



حرف سوم

نیمی از جهان درد می‌کشد و نیمه‌ای دیگر فریاد می‌زند. به فهرست کشورهای تولیدکننده کالاهای فرهنگی بنگریم. کدام کشور از آفریقا، امریکای لاتین و بخش‌های محروم آسیا توانسته است حجم چشمگیری از تولید را به خود اختصاص دهد؟ بازارهای جهانی انباشته از فرآورده‌هایی است که قوی‌ترها تولید می‌کنند و به ترفند تبلیغات جهان را وامی‌دارند به مصرف آن خو کنند.

رخنه در بازارها برای این نیمه خاموش زمین دشوار است چرا که معیارهای جذابیت جهانی با فرهنگ یا توانایی هنرمندان آن فاصله دارد.

اما درست به همین دلیل، آثاری سراسر عاری از معیارهای رایج جذابیت، با اثرگذاری بر ابعاد دیگری از وجود انسان توانسته‌اند نگاه جهانیان را به خود جلب کنند. بخشی از علل توفیق سینمای ایران در عرصه‌های بین‌المللی را باید در این زمینه جستجو کرد. حال اگر سینمای مستند و داستانی با عنایت ویژه به این موضوع گام‌هایی هر چند کوتاه برای رسوخ در دیواره محکم بازارهای جهانی برداشته‌اند، چرا هنر پویانمایی از حرکت در این مسیر غافل شود؟



رویاهایتان را متحرک سازی کنید

سازمان ملی فیلم کانادا این امکان را فراهم آورده است که کودکان سراسر جهان بتوانند از طریق اینترنت فیلم پویانمایی تولید کنند. سایت اینترنتی جدید سازمان ملی فیلم کانادا (NFB) موسوم به "اولترا باگ کلیپوسکوپ" که با هدف جلب مخاطبان جوان راه اندازی شده است، بینندگان را در معرفی و آموزش فیلمسازی کمک می کند. بخشی از نوآوری آموزش رسانه ای کلی سازمان ملی فیلم کانادا یعنی سایت اینترنتی اولترا باگ کلیپوسکوپ به کودکان (یا بزرگسالان!) امکان می دهد تا فیلم بسازند، به تماشای آن بنشینند و در نهایت آنرا از طریق اینترنت برای دوستان شان ارسال کنند.

سایت Cliposcope برای کاربران این امکان را فراهم می آورد تا از بین پس زمینه ها و حرکت های مختلف، هر کدام را که می خواهند برگزینند و همراه با حرکت های دوربین و وسایل پویانمایی آن را در خلق یک فیلم پویانمایی کوتاه به کار گیرند. هنگامی که فیلم ساخته شد می توان تصاویر آن را تماشا کرد و از طریق پست الکترونیکی برای دلخواه ارسال داشت و به سایت اینترنتی اولترا باگ کلیپوسکوپ فرستاد تا شاید این شانس را داشته باشد که به عنوان کلیپ برگزیده ماه انتخاب شود. در آدرس www.nfbkids.ca/cliposcope می توانید به سایت اولترا باگ کلیپوسکوپ دسترسی پیدا کنید.

سازمان ملی فیلم کانادا از سال ۱۹۳۹ تا کنون به عنوان یک تهیه کننده مطرح در زمینه پویانمایی فعالیت داشته است و به همین دلیل مروری بر آثار این سازمان تحت عنوان رویاهای سرزمین برف در دومین دوره جشنواره بین المللی پویانمایی تهران صورت پذیرفته است. گفتنی است این سازمان با فیلم های پرسی که کوه یخ را دید (پل درینسن)، چرخ تالی، درس شکار (ژاک دروین)، دگرگونی بی وقفه (کریس هیستون)، مغز شوها (پاتریک بوچارد) و مهاجمان عجیب (کوردل بارکر) در بخش مسابقه بین الملل جشنواره سوم حضور دارد.

رنگی ببینید

به اطلاع کسانی که به جای کاغذ دوست دارند نشریه را روی صفحه مانیاتور مطالعه کنند می رسانیم نسخه رنگی نشریه روزانه از شب پیش از انتشار در Daily Bulletin بخش News سایت جشنواره قابل دسترسی است.
www.tehran-animafest.com



پرنده و خورشید (بهرام افتخار جواهری) و گفتگو (مهدی خداکرمی)

بهترین فیلمنامه: ضدنور (وحید نصیریان و حمیدرضا محسنی)، ارشمیدس (فائز علیدوستی) و دست (ژان یعقوب زاتکه)

بهترین پویانما: ارشمیدس (فائز علیدوستی)، کشاورز و گاو (فاطمه گودرزی و اکرم مطیع فر) و زاغی (عزیزالله شاه محمدی)

بهترین فضا سازی: سپیدبالان (عبدالله علیمراد)، گل و پرنده و خورشید (بهرام افتخار جواهری) و کیکاووس (سید محمود صائمن)

بهترین موسیقی: گوسفند بلا (امیرحسین جلیلی)، کشتی نوح (فردین خلعتبری) و سپیدبالان (فردین خلعتبری)

بهترین صدا گذاری: کیکاووس (مسعود کمالی)، خودم پیدا کردم (چنگیز صیاد) و کشتی نوح (محمد حقیقی)

حاضران سخن گفت.

نشست تخصصی دومین روز جشنواره به موضوع جلوه های ویژه در سینمای پویانمایی اختصاص داشت. به همین منظور از سوی نماینده شرکت IBMIDC نرم افزارها و روش های گوناگون ایجاد تغییرات بصری در فیلم های مختلف از جمله آثار پویانمایی همراه با نمایش نمونه هایی برای حاضران تشریح شد.

نامزدهای دریافت جوایز بخش مسابقه ایران سومین جشنواره بین المللی پویانمایی تهران معرفی شدند. در روز دوم جشنواره فهرست آثاری که از سوی هیات داوران نامزد دریافت جوایز مسابقه ایران شده بودند، از سوی دبیرخانه جشنواره در اختیار رسانه های گروهی قرار گرفت. نام این فیلم ها به قرار ذیل است:

فیلم اول: کیکاووس (سید محمود صائمن) و سپیدبالان (عبدالله علیمراد)

فیلم دوم: دویدم و دویدم (مهین جواهریان)، ضد نور (وحید نصیریان) و ویکتوری (سیانوش نصیری زیبا، پریناز شجره)

فیلم سوم: انگشتر سحرآمیز (رویا خاشعی)، گور (ارد پیکان فر) و شهر فرنگ (علیرضا کاویان راد)

بهترین فیلم با موضوع کودک و نوجوان: دویدم و دویدم (مهین جواهریان)، کودکی های من مثل رویا (محمدرضا مکتبی) و خودم پیدا کردم (بهزاد فراهت)

بهترین فیلم تجربی: قطار (بابک نظری)، گل و

چهره به چهره

صبح روز دوم در سالن اصلی جشنواره بیش از بیست فیلم از تولیدات شرکت فیلموگرافو پرتغال به نمایش در آمد. پس از نمایش فیلم ها ای فیجو داور مسابقه بین الملل و رییس شرکت فیلموگرافو پرتغال در نشستی صمیمی با

از مانشنیده بگیرید

این روزها یکی از آثار مطرح در محافل بین المللی انیمیشن فیلم MT Head محصول کشور ژاپن است و دلیل این شهرت هم چیزی نیست جز قرار گرفتن در فهرست نامزدهای اسکار امسال. شنیده ها حکایت از آن دارد که نسخه ای از این فیلم برای حضور در بخش مسابقه به دبیرخانه جشنواره ارسال شده، اما به دلیل تأخیر امکان حضور در این بخش رانیافته است. گفته می شود این فیلم امروز فردا ساعت ۱۳ در سالن شماره ۲ به نمایش در خواهد آمد.

سرعت نسبی زمان

علیرضا کاویان راد

می‌کنیم اما صید می‌گیرید و نمی‌دانیم چرا. با خود فکر می‌کنیم جسمی که بزرگ‌تر است، مسافت بیش‌تری را در زمان طی می‌کند. پس چرا دست ما از پرواز مگس جا می‌ماند. اما عمر او تنها یک روز است. تنها یک روز. گیاهان حرکت نمی‌کنند. اما همه ما فیلم‌های پیکسیلیشن (فیلمبرداری تک فریم با فاصله زمانی از واقعیت) را دیده‌ایم. در آنها گیاهان همچنان که رشد می‌کنند، حرکاتی موزون و رقص‌وار به چپ و راست دارند. درختی که رشد می‌کند در سر راه خود وقتی به مانعی برمی‌خورد مسیر عوض می‌کند و به جهتی دیگر می‌رود. برخی دیگر به دور مانع یا درختی دیگر می‌پیچند و آن را در بر می‌گیرند. آیا درختان هم فکر می‌کنند. گذشته از جانداران و گیاهان، زمین و سنگ‌ها هم در حرکت و تغییر هستند و ما نمی‌بینیم. بدیهی است سرعت این حرکت و تغییر، قابل مقایسه با ما آدم‌ها نیست. مگر آتشفشان‌ها که نمودی عینی‌تر دارند.

واقعیت این است که ما آدم‌ها حرکت زمان را با معیارها و مقیاس‌های خود ادراک می‌کنیم. عقربه‌هایی را آفریده‌ایم تا چیزی داشته باشیم که زمان را با آن بسنجیم و بتوانیم به کارهایمان سر و سامان بدهیم و البته گاهی هم درگیر این زمان هستیم. ممکن است انجام کاری را موکول به زمان خاصی کنیم و به انتظار بنشینیم. گاهی هم از سرعت حرکت زمان عقب می‌مانیم. در یک جمله می‌توانیم بگوییم ما اسیر زمان هستیم. سلول‌های پیکره ما می‌آیند و می‌روند. افکار ما هم تغییر پذیرند. همین طور ذایقه‌ها و سلیقه‌هایمان. ما داریم در حال شدنیم. پیرامون ما هم داریم در تغییر است و ما نمی‌بینیم. خانه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم، کوچه‌ای که هر روز از آن عبور می‌کنیم، دوستان مان، فصل‌ها، رنگ‌ها، ... انسان این تغییر را می‌پذیرد و آن را دوست دارد. حرکت و تغییر لازمه زندگی است و بدان معنا می‌بخشد، چرا که از سکون و یکنواختی می‌گریزد. ما آدم‌ها طوری ساخته شده‌ایم که داریم باید فکر کنیم. داریم باید با اشیا و چیزها و برویم و آنها را سبک و سنگین کنیم. بخشی را از فکر و زندگی مان بیرون بریزیم و برخی دیگر را جایگزین آن کنیم و گرنه فکرمان جلیبک می‌زند و خزه‌ها سرتاسر آن را پر می‌کند. درست مثل هیو و کیو.

یا سرسبز می‌شود. درختان می‌آیند و می‌روند. زمان میلیون‌ها سال جلو می‌رود و این بار ورود مردی با یک گاری به کادر، بار دیگر موجب تغییر سرعت زمان می‌گردد. به جای گذاشتن یک چرخ شکسته از گاری، اختراع چرخ با الهام از سنگ گرد نماهای قبلی را تداعی می‌کند و بالاخره هیو

می‌گوید که این اختراع، چهره زمین را دگرگون خواهد ساخت.

آنها از بالای تپه نظاره‌گردند. جاده خاکی و سپس آسفالت و اتوبان و تردد سریع ماشین‌ها را می‌بینیم و تغییر سریع تابلوی تبلیغاتی بزرگ کنار اتوبان را شاهد هستیم و سر بر آوردن ساختمان‌ها، برج‌ها و آسمان‌خراش‌های عظیم در یک لحظه. هیو و کیو، یک آن، خود را در محاصره ساختمان‌ها و در واقع تمدن می‌بینند و حیرت زده بر آن چشم می‌دوزند. اما هیو و کیو دیرینه‌تر از این‌ها هستند. آنها می‌مانند و تمدن به همان سرعت که آمده بود، از بین می‌رود.

گذشته از تکنیک ترکیبی (Mixed) فیلم **صخره‌ها** و بهره‌گرفتن از فیلم زنده و عروسک‌ها و نورپردازی‌ها و ماکت‌های دقیق و زیبا، فیلم، مفهومی فلسفی و پیچیده را به زبانی ساده بازگو می‌کند که نشان از تسلط سازندگان و آشنایی کامل آنها با رسانه فیلم انیمیشن دارد.

از طریق انیمیشن تنها می‌توان میلیون‌ها سال را در هشت دقیقه و سی ثانیه خلاصه کرد و از این طریق مفهومی با این وسعت را به بیننده عرضه داشت. به زبانی دیگر سازندگان فیلم به درستی از انیمیشن، تکنیک و ابزار آن در جهت تبیین مفهوم مورد نظر خود بهره‌جسته‌اند و تمامی این‌ها همسو با موضوع فیلم به کار گرفته شده‌اند.

انیمیشن، دنیای غیر واقع و فانتزی است. در واقع اگر بتوانیم فیلمی را به صورت زنده بسازیم، نیازی به ساخت آن از طریق انیمیشن نخواهد بود. در دنیای انیمیشن، انیماتور عنصر زمان را در دست دارد. می‌تواند بخشی از زمان را گسترده‌تر و یا فشرده‌تر سازد و چنانچه در ابتدا آمد، عنصر زمان برای تمامی جانداران یکسان نیست. ما دستمان را برای گرفتن مگس به سرعت پرتاب



حیات با حرکت آغاز می‌شود و حرکت، جاری در زمان است. همه عناصر حیات به نوعی درگیر در مفهوم زمان هستند. اما آیا زمان و سرعت آن برای تمام موجودات یکسان است؟ در فیلم **صخره‌ها** ساخته کریس اشتر، آروید ایبل و هایدی ویتلینگر ما با دو شخصیت رو به رو هستیم به نام‌های هیو و کیو که از سنگ ساخته شده‌اند. آنها در میان سنگ‌های دیگر می‌گردند و با هم گپ می‌زنند. هیو و کیو بر فراز تپه‌ای بلند قرار گرفته‌اند و بر چشم اندازی وسیع نظارت دارند.

فیلم با حرکت افقی دوربین از سیاهی به دو شخصیت اصلی، به نوعی آغاز خلقت را تداعی می‌کند. زمانی که هنوز انسان پا به عرصه وجود نگذاشته بود. حرکت دایمی ابرها بر فراز تپه و سرعت حرکت آن، یکی از ابزارهایی است که سازندگان فیلم از آن بهره‌جسته‌اند. زمانی که دو شخصیت اصلی با هم صحبت می‌کنند، ابرها به سرعت در بالای سر آنها در حرکتند. با ورود انسان پیش از تاریخ به کادر، در یک لحظه از سرعت زمان کاسته می‌شود. متوقف شدن حرکت دو سنگ و آرامش ابرها در تصویر، و کند شدن دور موتور و نهایتاً توقف آن در یک لحظه در عنصر صدا، همزمان ما را به مفهوم تفسیر عنصر سرعت زمان رهنمون می‌سازد. انسان پیش از تاریخ، لحظه‌ای با تکه سنگ گردور می‌رود و بعد از آن جا دور می‌شود. با خروج او از کادر سرعت فیلم به جای اول برمی‌گردد. هیو دانه کاجی را که با آن بازی می‌کند به کمی دورتر پرتاب می‌کند و همان زمان، از دانه‌ای که بر زمین افتاده درختی سبز می‌شود و این در حالی است که بر روی زمین، تغییرات مداوم رخ می‌دهد. پوشش زمین به طور داریم تغییر رنگ داده، خشک



در نشست و گفتگویی دو ساعته با این داوران سوالاتی مطرح کرده ایم که

بخش‌هایی از آن را در زیر می‌خوانید.

جشنواره ویر عهده داشته‌اند.

سومین جشنواره بین‌المللی پویانمایی تهران از دو بخش مسابقه ایران و بین‌الملل تشکیل می‌شود که علی‌اکبر صادقی، اکبر عالمی، فرخنده تری، علیرضا گلپایگانی و امیر محمد دهستانی داوران بخش مسابقه ایران این

زعفران و بادام

گفتگو با هیأت داوران بخش مسابقه ایران

آثار حاضر در بخش مسابقه ایران را دیدید و داوری کردید. سطح کلی فیلم‌ها را چطور ارزیابی می‌کنید و آیا فیلمی بود که مورد توجه همه واقع شود؟

ترابی: اگر به فیلم‌هایی که این چند ساله ساخته شده است نگاه کنیم باید گفت سطح کیفی فیلم‌های جشنواره چه از نظر تکنیکی و چه از نظر تلاش‌هایی که در زمینه موضوع و داستان انجام شده، بالا رفته است، ولی اگر بخواهیم بگوییم یک یا چند فیلم شاخص وجود داشت، من شخصاً چیزی ندیدم. گرچه فیلم‌ها در کل سطح مطلوبی داشتند، ولی فیلمی در حد ایده‌آل به تمام معنا نبود.

گلپایگانی: ما انتظار داشتیم فیلم‌ها نسبت به دو دوره قبل خیلی بهتر باشند، ولی این طور نبود. البته این بدین معنا نیست که فیلم‌ها ضعیف بودند، بلکه انتظار ما از آنها بیش‌تر شده بود. تنوع فیلم‌ها بالاتر رفته بود که نشان‌دهنده رشد فزاینده انیمیشن در ایران است. این دوره ما از دور افتاده‌ترین نقاط ایران هم فیلم داشتیم.

صادقی: به نظر من در فیلم‌ها خلاقیت کم بود و هیچ فیلمی ما را میخکوب نکرد. فیلم‌ها تقریباً در یک حد بودند، ولی نسبت به دوره دوم بهتر بود. همین یک سطح بودن فیلم‌ها داوری را برای ما سخت کرد.

داوری این دوره بر اساس چه دیدگاه و سیاستی انجام شد؟

عالمی: ما سیاستمدار نیستیم. هیأت داوران با ذائقه هنری، آثار هنری را تماشا و ارزیابی می‌کنند. من عقیده دارم که سطح کارها به طور کلی ده درصد نسبت به دوره قبل ارتقای کیفی پیدا کرده، ولی اثری تحسین‌برانگیز و ستودنی آن‌طور که انتظار داشتیم دیده نمی‌شد. با این همه، تمام داورها اعتقاد داشتند که انیمیشن ایران در راه خوبی گام برمی‌دارد و امیدواریم آینده بسیار روشنی نصیب هنرمندان انیمیشن در ایران شود.

گلپایگانی: تفکیک دو بخش مسابقه ایران و بین‌الملل این امکان را ایجاد می‌کند که انیمیشن ایران در حد استانداردهای ملی و ایرانی سنجیده شود. کسانی که با تجربه و بودجه بیش‌تر فیلم ساخته‌اند فیلمشان به بخش بین‌الملل هم راه یافته و آنهایی که امکانات کم‌تری داشته‌اند فقط در بخش ملی حضور یافته‌اند تا زمینه‌ای برای تشویق و رشد آنها فراهم شود.

آیا دو روز زمان برای داوری ۵۳ فیلم کافی بود؟

دهستانی: بله کافی بود.

عالمی: دو روز از ۹ بامداد تا ۸ شب مشغول بودیم و با توجه به این که زمان متوسط نمایش آثار انیمیشن کم‌تر از ده دقیقه است، همین کافی بود. در این جا خوب است به نکته‌ای اشاره کنم که بلند بودن کار از نظر زمان دلیل بر بهتر بودن آن نیست. ممکن است فیلم یک دقیقه‌ای ما را خیره کند، ولی فیلم ۲۰ دقیقه‌ای نتواند این تأثیر را بگذارد. به شوخی می‌توان این را مقایسه زعفران و بادام دانست.

بعد از دیدن فیلم‌ها مسأله‌ای بود که شما را نگران آینده انیمیشن در ایران کند؟

گلپایگانی: اغلب فیلم‌ها توسط گروه‌های کوچک و حتی یک نفری ساخته شده بود که این نغمه خوشایندی نیست. در این حوزه افراد باید به صورت جمعی کار کنند و از راهنمایی‌های یکدیگر بهره‌گیرند. اگر این حالت کار انفرادی ادامه پیدا کند، سطح کمی و کیفی آثار پایین خواهد آمد و این زنگ خطری برای انیمیشن ایرانی است.

صادقی: سینما کار گروهی است. پس بهتر است با همفکری گروهی باشد و یک مغز تنها کار نکند.

بعضی از کشورها در سینما به طور کلی و در انیمیشن به طور خاص دارای سبک ویژه‌ای هستند. آیا این امید هست که ما هم به جایی برسیم تا بینندگان بین‌المللی با دیدن فیلم تشخیص دهند که این فیلم ایرانی است؟

صادقی: از قدیم در جهان علامت مرغک کانون را می‌شناختند و وقتی فیلمی با این علامت به جشنواره خارجی می‌رفت، می‌گفتند حتماً یک جایزه خوب مال ایران است.

عالمی: کارهای علی‌اکبر صادقی به عنوان پیش‌کسوت و پایه‌گذار انیمیشن ایرانی همه هویت ایرانی داشتند، ولی امروزه ذائقه به سمت جهانی شدن تمایل پیدا کرده. گرچه نمی‌توان به یک هنرمند گفت چطور آواز بخوان، شعر بگو، ساز بزن یا انیمیشن بساز، ولی دیده می‌شود بعضی‌ها جذب فرهنگ اروپایی و غربی شده‌اند. بعضی‌ها هم هنوز ریشه در این آب و خاک دارند. پس نمی‌توان جواب معینی داد.

ترابی: کارها آن قدر دارای تنوع هستند که نمی‌شود گفت هویت خاصی را القا می‌کنند. نیمی از کارها تحت تأثیر نگاه جهانی قرار گرفته‌اند ولی در نیم دیگر هنوز اصالت‌ها را حفظ کرده‌اند. اما در اکثر فیلم‌های ایرانی هویت مشخصی وجود ندارد، این طور که بتوان گفت این کاری با هویت ایرانی است.

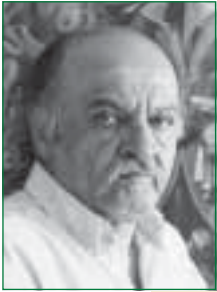
عالمی: هویت ایرانی به معنی استفاده مکرر از درخت سرو، شال کمر، کلاه نم‌دی، چوبدستی، پیراهن با جلیقه و امثالهم نیست. هیچ کس هم نمی‌تواند با این عناصر داوران را تحت تأثیر قرار دهد و نباید با صد من سیریشم این عناصر را به فیلم چسباند، بلکه هویت ایرانی روح دیگری دارد و باید حاوی تفکر و تمدن ایرانی باشد.

صادقی: حتی می‌توانیم هویت را با رنگ هم ثابت کنیم و بگوییم این فیلم ایرانی است و فیلمی با رنگ‌های خاص خودمان که همان رنگ‌های خاکی و کویری است، بسازیم.

به نظر شما این جشنواره و جوایزش چقدر بر فضای انیمیشن ایران تأثیر می‌گذارد؟

صادقی: تأثیر مثبت زیادی دارد. علاقه‌مندان و دانشجویان می‌توانند فیلم‌های خارجی را ببینند. تلویزیون ما انیمیشن‌های هنری پخش نمی‌کند، پس جشنواره کلاس درسی برای فیلمسازان خواهد بود و همین که در یک جا دور هم جمع می‌شوند، باعث تداوم این هنر می‌شود.

ترابی: در جامعه ما، جشنواره تخصصی انیمیشن به غیر از این جشنواره وجود ندارد. در حوزه فیلم‌های زنده هم انیمیشن در حاشیه قرار گرفته است. زمانی هم که در سینما قبل از فیلم اصلی فیلم کوتاه و انیمیشن پخش می‌شد وقتی بود که هنوز بینندگان سر جایشان مستقر نشده بودند و کسی به آن توجه نمی‌کرد. انیمیشن تا چند سال پیش در سینما بی‌ارزش بود. این جشنواره چند سال است که به طور متمرکز و تخصصی در این زمینه کار می‌کند و این روش تأثیرات خوبی خواهد داشت.



تشخیص می دهد. در انیمیشن قواعد مشترکی وجود دارد که اگر آن عناصر رعایت شود رأی ها مشترک خواهد بود. شاید در جزئیات تفاوت هایی دیده شود، ولی در کلیات خیر.

اگر یک یا چند داور خارجی بین شما بود، وضعیت داوری چه تغییری می کرد؟

دهستانی: سخت گیری ها بیش تر می شد و فکر می کنم کار از حالت تعادل بیرون می رفت. بخش داخلی برای این گذاشته شده که داوران با سعه صدر بیش تری با فیلم ها برخورد کنند و توانایی عمومی سنجیده شود. در بخش خارجی با دید مطلق تری به فیلم ها نگاه می شود و استانداردهای بین المللی را رعایت می کنند، ولی در بخش ایران سطح فیلم های داخلی با توجه به شرایط حاکم با هم سنجیده می شود.

عالمی: اگر داور خارجی بین ما بود بسیاری از داستان ها را باید برای او توضیح می دادیم و به فولکلور بودن داستان اشاره می کردیم تا او در فضای فیلم قرار بگیرد.

صادقی: در دوره اول من هم داور ملی بودم هم بین المللی. بین من و داوران خارجی زیاد اختلاف سلیقه نبود و اکثر امتیازات یکسان بود. گاهی اوقات تعجب می کردیم چطور تا این حد نقطه نظر اتمان به هم نزدیک است. اگر بین ما داور خارجی هم بود، داوری فرقی نمی کرد چون ما اول به صنعت سینما و بعد به خلاقیت ها نمره می دهیم.

گلپایگانی: من ترجیح می دهم که داور خارجی فیلم های بخش ایران را قضاوت نکند. اول این که داوران ایرانی باید درباره پیشینه داستانی و فرهنگی فیلم ها برای او توضیح دهند. دوم این که ما در بخش های ابتدایی راه هستیم و در گام های اول نیاز به توجه و عنایت زیادی داریم و نه سخت گیری زیاد. مگر نه این که انیمیشن ایرانی باید زبان بین المللی پیدا کند! اگر هنری تنها در مرزهای کشورش و در بین مردمش قابل فهم باشد، هرگز پیشرفت نخواهد کرد.

گلپایگانی: انیمیشن ایرانی نیاز به زمان دارد. از نظر نهایی مقصد همان است چون هنر، فردی و جغرافیایی نیست، بلکه جهان شمول است ولی باید فرصت دهیم تا به آن قاعده کلی برسیم.

فکر می کنید وقتی فیلم انیمیشن چه کوتاه و چه بلند امکانات و شرایط اکران داخلی ندارد، لازم است برای آن جشنواره برگزار شود؟ آیا بهتر نیست ابتدا مشکلات بنیادی این حوزه حل شود، ابتدا بینندگان انیمیشن ایرانی را ببینند و بعد آن را داوری کنیم؟

عالمی: سوال شما خیلی کاربردی است و پاسخ من این است که در آینده ای نزدیک مدیران فرهنگی و هنری ایران به هنر انیمیشن به گونه ای بسیار جدی نگاه خواهند کرد و برای آن به صورت اساسی برنامه ریزی خواهند کرد. زیرا تمام پتانسیل، نیرو و توانایی ارتقا و شکوفایی هنر انیمیشن در ایران فراهم آمده است. وزارت علوم نقش خود را در سه دانشگاه بزرگ ایران به خوبی ایفا کرده و ایران جزو معدود کشورهایی است که در تحصیلات دانشگاهی تا مقطع کارشناسی ارشد وظیفه آموزش دانشجویان را بر عهده گرفته و دانشکده صدا و سیما هم در این زمینه فعالیت می کند. حالا نوبت آن رسیده که مدیران فرهنگی و هنری کشور به این هنر مسلم و شایسته نگاهی کاملاً جدی داشته باشند و برای آن برنامه تدوین کنند.

آقای صادقی، کارنامه هنری شما بسیار درخشان است، ولی بیش از ۲۰ سال است که هیچ انیمیشنی نساخته اید. زرمه هایی به گوش می رسد که قرار است باز هم انیمیشن بسازید.

بعد از آخرین فیلمی که ساختم شایداً علاقه مند به نقاشی سورئالیسم شدم و تا امسال هم ادامه دادم و هنوز هم این کار را انجام می دهم، ولی به تازگی با کانون قراردادی برای ساخت انیمیشنی به نام ائتلاف بسته ام که با همکاری آقای کاویان راد آن را خواهم ساخت. جالب است بدانید این جشنواره ها باعث شد دوباره اشتیاق فیلمسازی در من شکفته شود. حتی چند شب پیش خوابی دیدم که می خواهم آن را هم فیلم کنم.

گلپایگانی: اساس به وجود آمدن جشنواره یعنی اهمیت دادن. پس چیزی هست که باید ارزش گذاری شود. دست اندرکاران با وجود جشنواره ها دلگرم می شوند و وقتی می بینند کار آنها داوری می شود می فهمند که برای آنها ارزش قائل شده اند. در ضمن افرادی هستند که در همین جشنواره جرقه و انگیزه کار در ذهنشان ایجاد می شود. جشنواره در اصل یک میهمانی است که در آن انتقال اطلاعات و تجربیات انجام می شود و عید است برای یک پدیده و هنر.

عالمی: برگزاری جشنواره یعنی خودباوری ملی و اثبات این که ما در عرصه جهانی در کشور خودمان برای این سفره فرهنگی و هنری خوراک آماده کرده ایم. نکته بعدی این که بسیاری از فیلمسازان مطرح کشورمان که امروز برای ما افتخار آفرینند، بیست یا سی سال پیش به عنوان تماشاگر مشتاق در صندلی جشنواره ها می نشستند و به ذهن خلاق خود نظم می دادند و برای امروز دورخیز می کردند. در ضمن جشنواره چهار راهی برای ملاقات افراد است و باعث می شود جوانان وقت خود را به بطالت نگذرانند و جلوی تهاجم فرهنگی و انحراف گرفته می شود. رفتن به جشنواره مثل رفتن به کتابخانه است. فردی که وارد فضای جشنواره می شود، وقتی بیرون می آید، نسبت به قبل ارتقا یافته و آدم جدیدی شده است. در گذشته پدران ما فکر می کردند وقتی فرزندان کتاب می خوانند به راه راست می روند. من هم امروز به عنوان پدر وقتی می بینم فرزندم کتاب می خواند می گویم او به راه راست رفته ولی وقتی به تماشای یک فیلم هنری می نشیند، فکر می کنم حداقل دو برابر بیش تر از کتاب خواندن به سمت رستگاری گام برداشته است. امروز تخته سیاه و سفید کلاس های درس جای خود را به پرده تلویزیون و ویدیو پروژکتورها داده، چرا که با معجزه تصویر می توان چندین برابر تأثیر گذاشت.

اگر گروه داوری دیگری جای شما این وظیفه را بر عهده داشت نتایج چقدر فرق می کرد؟

صادقی: فکر نمی کنم زیاد فرق می کرد. یک داور به تمام جزئیات یک فیلم اعم از ساخت، خلاقیت، موسیقی و صدا نگاه می کند. این یک کار فنی است نه سلیقه ای. فقط در زمینه موضوع است که سلیقه تأثیر دارد. بنابراین در نهایت پنج تا ده درصد نتایج داوری فرق می کرد.

گلپایگانی: تفاوت ها فاحش نخواهد بود. ساختار خوب را همه کس

من نفیسه ریاحی هستم



در این روزهای یاد می کنیم از نفیسه ریاحی نخستین پویانمای زن ایرانی که در نخستین دوره جشنواره در ترکیب هیات داوران قرار داشت و سال هادر داخل و خارج از کشور در عرصه پویانمایی کوشید. این یادآوری بهانه ای است برای از خاطر نبردن همه آنانی که به پشتوانه تلاش و قریحه خویش نام و آثاری ماندگار در حافظه پویانمایی ایران از خود بر جای نهادند.

روش فیلمسازی به طریقه کلاسیک یعنی همان روش دیزنی را به صورت اصولی یاد گرفتیم. بعد از آن، مدت کوتاهی را در استودیو نادین فورستر که یکی از طراحان و تصویرگران برجسته بلژیک بود کار کردم. خانم فورستر، پروژه مجموعه ای به نام فیلیو را از تلویزیون سفارش گرفته بود و برای انتقال طراحی های مدادی بر روی تلق، یک دستگاه زیراکس در استودیو گذاشته بود. طراحی های مدادی ما مستقیماً روی تلق کپی می شد و نیازی به دسن کردن روی تلق نبود.

در اوایل دهه پنجاه شمسی بود که یک سمپوزیوم بزرگ انیمیشن در مسکو برگزار شد و از عده ای از کارگردانان کشورهای مختلف دعوت به عمل آمد. من نیز به نمایندگی از ایران از طریق کانون به مسکو رفتم. در آن جا فیلم های کشورهای مختلف را به نمایش می گذاشتند و جلسات متعددی در زمینه انیمیشن برگزار می شد. بیژن خرسند که مدیر روابط عمومی کانون پرورش بود، فیلم های کارگردانان ایرانی را برای ارسال به سمپوزیوم به سفارت شوروی فرستاد، اما به دلایلی این فیلم ها به مسکو نرسید و علی رغم تمایل کارگردانان خارجی که شنیده و مشتاق بودند به تازگی فیلم های انیمیشن خوبی در ایران ساخته شده، فیلمی به جشنواره نرسید.

در همان سمپوزیوم بود که من با آسیفای بین الملل آشنا شدم و عضو آن انجمن شدم. طی سال هایی که در کانون کار می کردیم هر کارگردانی با امکانات کافی که در اختیار داشت به صورت مستقل و مجزا کار می کرد و فیلمش را به پایان می رساند. در این سال ها ما با هم همکاری داشتیم و شاید فرصتی پیش آمد تا با زرین کلک همکاری داشته باشیم. او در کارش سبک های مختلفی را امتحان کرده. البته هر کدام از ما که در کانون کار می کردیم بنا به اقتضای داستان، سبک های مختلفی را امتحان می کردیم. من به نوع نقاشی های او و همچنین به طنز خاصی که در نقاشی ها و فیلم هایش دارد، علاقه مند. به نظر من او با استفاده از خصوصیات فرهنگ ایرانی، طنز خاصی را ارائه می دهد...

... و نفیسه ریاحی متولد ۱۳۲۲ در استکهلم سوئد و دانش آموخته در رشته های مختلف هنرهای تجسمی در کشورهای انگلستان، فرانسه و سوئیس، در ۱۲ آبان ۱۳۷۹ در سن پنجاه و هفت سالگی در گذشت. یادش گرامی باد.

زمان که تجربه و امکانات انیمیشن کم بود، برای به نمایش درآمدن تصویرها روش دیگری اتخاذ می کردم. مثلاً روی نقاشی دریا زوروق می گذاشتم و با حرکت آن موج ها را ایجاد می کردم و در عین حال اشکالی را بر روی تصویر به کمک سیم به حرکت درمی آوردم. برای مصور کردن این قصه ها مجبور به ساختن تصویر در حجم زیاد بودم.

در آن سال (احتمالاً ۱۳۴۸) سیرک بزرگ مسکو وارد تهران شد. این سیرک در پارک لاله مستقر شده بود و قسمتی از پارک را با دیوارهای سفید به محوطه سیرک اختصاص داده بودند. فیروز شیروانلو سفارشات تبلیغاتی بر روی دیوارهای سیرک را برای شرکت نگاره گرفته بود و من و دیگر همکاران از جمله عباس کیارستمی و نیکزاد نجومی کارهای تبلیغاتی را با نقاشی کردن روی دیوار (فرسک) انجام دادیم.

از درآمد فروش بلیطهای سیرک، قسمت سینمایی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تأسیس شد. نورالدین زرین کلک آن زمان در انتشارات فرانکلین کار می کرد و من او را می شناختم.

پس از مدتی کار در شرکت نگاره به بلژیک رفتم و در شهر بروکسل اقامت گزیدم. در آن جا یک استودیوی تولید فیلم های انیمیشن به نام بل ویژن وجود داشت که از نظر تولید فیلم های انیمیشن در اروپا، همان اهمیتی را داشت که استودیوی دیزنی در آمریکا. در آن جا مجموعه داستان های تن تن و لوک بی باک را به فیلم سینمایی تبدیل می کردند. در آن استودیو چهار انیماتور وجود داشت و تعداد زیادی طراح میانی و من به جای یکی از انیماتورها که از آن جا رفته بود استخدام شدم و به هر صورتی که بود توانستم در آن استودیو خود را در تراز سایر انیماتورها قرار دهم. در آن

استودیو فشار کار به قدری زیاد بود که حتی برای نهار خوردن وقت نداشتم و اغلب ساندویچی سرپایی می خوردیم، زیرا مجبور بودیم هر ماه دو دقیقه فیلم مفید و آماده بخش بسازیم.

در واقع در همان استودیو من

من دوره تحصیلاتم را در سال های ۱-۱۹۶۰ در دانشکده هنرهای تزئینی انگلستان و ۶-۱۹۶۱ در دانشگاه هنرهای زیبای ژنو به آموختن نقاشی و مجسمه سازی گذراندم. پس از آمدن به ایران به دانشکده هنرهای دراماتیک که رییس آن مهندس فروغ بود، مراجعه کردم و مدت کوتاهی را به تدریس نقاشی در آن دانشکده مشغول شدم. سپس به وزارت فرهنگ رفتم و اولین تجربه انیمیشنم را با ساختن فیلم گربه ها (۱۳۴۵) آغاز کردم که سه دقیقه بود. آن زمان امکانات محدودی در اختیارم بود و برای ساختن فیلم از کاغذهای پوستی که لا به لای دفترهای نقاشی بود، استفاده می کردم. این فیلم بر اساس یک موسیقی جاز سه دقیقه ای ساخته شد.

سپس به همراه فریده توفیقی که تازه تحصیلاتش را در زمینه نقاشی در اتریش تمام کرده بود، مشغول ساختن فیلم ملک جمشید شدیم. در ساختن این فیلم که به روش کات اوت ساخته شده، ابتدا برای به دست آوردن یک گرافیک مناسب، روزها به اتفاق خانم توفیقی به موزه هنرهای تزئینی واقع در خیابان بهارستان می رفتیم و از نقوش پته دوزی های کرمانی برای کارمان استفاده می کردیم.

پس از ساختن تکه ها و مفصل بندی، به کمک اسدالله کفافی کار فیلمبرداری را به روش ۳۵ میلیمتری آغاز کردیم. نصرت کریمی نیز که در آن زمان رییس کارگاه انیمیشن وزارت فرهنگ و هنر بود، داشت فیلم زندگی را می ساخت.

زمانی که فیلمبرداری آن تمام شد، من به ژاپن رفتم و در این فاصله نصرت کریمی فیلم را صداگذاری کرد که اتفاقاً صدای خودش را که با دور تند نوار ضبط شده بود، روی فیلم گذاشت. این فیلم پلاک نقره ای دومین جشنواره جهانی فیلم های کودکان تهران (۱۳۴۶) را دریافت کرد.

پس از بازگشت به ایران در شرکت تبلیغاتی نگاره که مدیر عامل آن فیروز شیروانلو بود، مشغول به کار شدم. در آن جا طراحی پوستر و دیگر کارهای گرافیک از جمله تصویرگری کتاب را به عهده داشتم. همزمان نیز در تلویزیون قصه های خانم مولود عاطفی را که هر شب برای کودکان پخش می شد، مصور می کردم. در آن

دو تصویر از آدمک



چشم‌های آدمک جشنواره هنوز هم سرخ است. این سرخی از اشتیاق است یا از خستگی، باید منتظر ماند و دید. اما حالا دیگر این آدمک را خیلی جاها می‌شناسند. او از خیلی آدم‌ها معروف‌تر شده و توقعی که از او می‌رود از خیلی‌ها نمی‌رود.

دوستانی هم برای خودش دست و پا کرده که هر دو سال یک بار اگر اسفند ماه هوا توفانی باشد، باد کلاهشان را به حوالی او می‌اندازد. آنها هم دست و سری تکان می‌دهند که آدمک نمی‌داند از شادی است یا شکایت و بعد هم می‌روند تا دو سال دیگر که آیا دوباره از باد و کلاه خبری باشد تا آنها را به این سمت بکشاند که سرودستی تکان بدهند و بروند یا نه.

به هر حال آدمک همیشه همین جاست. با همان چشم‌های سرخ که یکی می‌گوید از اشتیاق و دیگری می‌گوید از خستگی است و حالا اسفند ماه از راه رسیده و باد هم می‌آید.

خورشید مصر فیلمی است که امشب شما را تا دیر وقت در جشنواره نگه خواهد داشت. این فیلم که پیش‌تر یوسف و زلیخا نام گرفته بود، در چند بخش جشنواره حضوری توامان دارد و شاید از این حیث صاحب رکورد هم باشد چرا که علاوه بر بخش‌های مسابقه ایران و بین‌الملل در خدمت فیلم‌های بلند و آثار شرکت رسانه فرد نیز قرار گرفته است.

اگر چه ساعت ۲۳ آن هم در فصل زمستان



سومین همان عددی است که جشنواره پویانمایی در کنار آدمک مهجورش نشانده است. مهجور از دوری دوستان که هر دو سال یک بار به زیر یک سقف هم کلام می‌شوند و او را تنها بهانه کارهای خود کرده‌اند، اما هیچ کس از او حرف نمی‌زند. شب دل‌تنگی‌های وجودش را از چشمان سرخ اشک‌آلوده‌اش می‌توان دید. آدمک مصلوب، تکیه زده به دیوار، صداها را می‌شنود و دامنه دیدش تنها همان نقطه مقابل اوست. در میان آمد و رفت‌ها کودکی مقابل او ایستاده و خیره شده است. کودک لبخند می‌زند. آدمک قلبش می‌تپد. از جای خود بیرون می‌جهد، چشمکی به کودک می‌زند و با هم به گوشه‌ای می‌خزند و شروع می‌کنند به بازی‌های کودکانه. و حالا تازه جشنواره سوم شروع شده است با آدمکی بیرون از قاب.

برای تماشای فیلم در خارج از خانه آن قدرها هم مساعد نیست، ولی اگر این فیلم اولین انیمیشن سینمایی ایرانی باشد که توانست در جشنواره فجر تا یک قدمی دریافت جایزه پیش برود، می‌توان برای ماندن و تماشای فیلم بهانه‌هایی آورد. به ویژه این که داستان فیلم از شگفت‌انگیزترین حکایت‌ها و احسن القصص است و دیدن تلاش‌های بصری پویانمایی پرسابقه‌ای نظیر بهروز یغماییان و همکارش شهرام خوارزمی خالی از لطف نیست. وقتی به عنوان یک علاقه‌مند هنر پویانمایی چاره‌ای جز تماشای یکی از نام‌آشناترین تولیدات اخیر سینمای ایران ندارید، پس چه بهتر که همین امشب در سالن اصلی بمانید و کار دیدن این فیلم را یکسره کنید.

سومین جشنواره بین‌المللی پویانمایی تهران

صاحب امتیاز: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
 به کوشش: مهدی فرودگاهی
 همکاران: نادر افشاری، مریم فرودگاهی، نغمه دانش، لیلی ثابتی، روبرت صافاریان
 بخش انگلیسی: امید نیک فرجام
 ویرایش و نمونه خوانی: مینا فرودگاهی
 گرافیک: علیرضا کاشی
 حروفچینی: مریم قربانی نیا
 لیتوگرافی و چاپ: کانونچاپ
 نشانی الکترونیکی نشریه:

newsletter@tehran-animafest.com

با اهالی نمایشگاه

در حاشیه برگزاری سومین جشنواره بین‌المللی پویانمایی تهران غرفه‌های مختلفی به منظور نمایش آثار انیمیشن و آموزش آن به علاقه‌مندان در محل نمایشگاه مرکز آفرینش‌های فرهنگی هنری کانون برپا شده است. با هم به برخی از این غرفه‌ها سر می‌زنیم:

- غرفه خرید در اختیار عموم قرار گرفته است.
- نشریه گل‌آقا هم با مجموعه‌ای از شماره‌های مختلف خود به میهمانان خوش آمد می‌گوید.
- دنیای تصویر مجله دیگری است که با بیست درصد تخفیف نشریات خود را به فروش می‌رساند.
- شرکت آبنوس از تولیدکنندگان انیمیشن ایرانی غرفه‌ای را به محصولات خود اختصاص داده است. در این غرفه امکان نمایش قسمت‌هایی از فیلم‌ها از طریق ویدیو پروژکتور وجود دارد.
- در بین کلیه غرفه‌ها، غرفه نیک آوا تهران با مجموعه‌ای از محصولات الکترونیکی خود جلوه خاصی دارد. در این غرفه برای اولین بار دستگاه ضبط و میکس صدا در حالت دو بعدی و چند بعدی (Mixer Digital) به نمایش گذاشته شده است.
- از دستگاه فنی Workstation با قیمت و کارایی بالا برای کار در زمینه صدا در استودیوهای خانگی استفاده می‌شود. همچنین DVCAM محصول شرکت سونی برای ضبط و موتاتژ تصویر ارایه شده که در زمینه‌های تصویری از جمله انیمیشن کاربرد زیادی دارد. گفتنی است محصولات این غرفه برای اهالی فن با تخفیف ویژه ارایه می‌شود.

- غرفه دانشگاه هنر با امکانات ویژه آماده راهنمایی علاقه‌مندان است. در این غرفه بازدیدکنندگان می‌توانند با نرم افزار Toons که حرکت حیوانات را به تصویر می‌کشد، آشنا شوند. همچنین روند ساخت انیمیشن به نمایش در می‌آید. نکته دیگر امکان دسترسی به پایان‌نامه‌ها و عروسک‌های ساخته شده توسط دانشجویان است. علاقه‌مندان می‌توانند عروسک‌های مورد نظرشان را در این غرفه سفارش دهند.
- غرفه دیگر مربوط به رسانه فرد از شرکت‌های نام‌آشنای تولید انیمیشن در ایران است. ارایه کارهای شرکت، بازار فروش، کارگاه آموزش انیمیشن برای عموم و آموزش طراحی دستی و کامپیوتری انیمیشن از جمله فعالیت‌های این غرفه است. ویدیو، کامپیوتر و میز نور برای کار علاقه‌مندان از امکانات موجود در غرفه است.
- غرفه جالب دیگری که در فضای نمایشگاه جلب توجه می‌کند دکور فیلم سپیدبالان به کارگردانی عبدالله علیمراد است. این فیلم در بخش مسابقه ایران حضور دارد.
- غرفه پیلان به این ماهنامه تخصصی انیمیشن در ایران اختصاص دارد. شماره‌های مختلف آن

ANIMATION & SPECIAL EFFECTS

In the 2nd day of the 3rd TIAF, a specialty meeting was held on the application and role of the special effects in the animated cinema. In this meeting, the IBMIDC representative in Iran introduced the related software and various methods for creating visual changes in different kinds of film including animated works, as well as showing examples to the audience.



1st NOMINEES IN 3rd TIAF

The nominees in the Iranian Competition section of the 3rd Tehran International Animation Festival were yesterday announced by the competition jury as follows:

1st Film

Keikavous (Seyyed Mahmoud Sa'emin) & *The White-winged* (Abdollah Alimorad)

2nd Film

I Ran & Ran (Mahin Javaherian), *Light Struck* (Vahid Nasirian), & *Victory* (Sianoush Nasiri Ziba, Parinaz Shajareh)

3rd Film

The Magic Ring (Roya Khashe'i), *The Tomb* (Orod Peikan-far), & *Peepshow* (Ali-reza Kavian-rad)

Best Film

I Ran & Ran (Mahin Javaherian), *My Childhood Like A Dream* (Mohammad-reza Maktabi), & *I Found It Myself* (Behzad Farahat)

Best Experimental Film

Train (Babak Nazari), *Flower, Bird, & The Sun* (Bahram Eftekhari Javaheri), & *Dialog* (Mehdi Khodakarami)

Best Screenplay

Light Struck (Vahid Nasirian, Hamid-reza Mohseni), *Archimedes* (Fa'ez Alidousti), & *Hand* (Jean Ya'qoub Zatkeh)

Best Animator

Fa'ez Alidousti (*Archimedes*), Fatemeh Goudarzi, Akram Moti'far (*The Farmer & The Cow*), & Azizollah Shah-mohammadi (*Zaghi*)

Best Atmosphere

The White-winged (Abdollah Alimorad), *Flower, Bird, & The Sun* (Bahram Eftekhari Javaheri), & *Keikavous* (Seyyed Mahmoud Sa'emin)

Best Musical Score

Naughty Sheep (Amir-hossein Jalili), *Noah's Ark* (Fardin Khal'atbari), & *The White-winged* (Fardin Khal'atbari)

Best Sound

Massoud Kamali (*Keikavous*), Changiz Sayyad (*I Found It Myself*), & Mohammad Haghighi (*Noah's Ark*)

FAIR IN FESTIVAL



Along with the 3rd Tehran International Animation Festival, there is a fair going on in the Kanoon Center for Artistic/Cultural Creations with different stands for screening and teaching animation, some of which are as follows:

The Art College Stand introducing Toons Software that portrays the movements of animals and showing the process of making an animation as well as presenting theses and dolls made by the students of this college.

Resaneh Fard Stand, a prominent Iranian animation company, comprised of a market, an animation workshop, and classes for manual and computer design in animation.

A Prop Stand holding the décor and props of the film *The White-winged* by Abdollah Alimorad who is also present in the Iranian Competition section of the 3rd TIAF.

Pilban Stand for the *Pilban Animation Monthly* presenting all its issues for sale.

Abnous Stand, an Iranian animation production company, presenting its productions and screening them in parts.

Nikava Stand presenting a collection of electronic products including 2-D & 3-D Mixer Digital.

Gol-agma Weekly & Donya-ye-Tasvir Monthly magazines have also separate stands in the fair for presenting their publications.

IMAGE ODYSSEY

In the 2nd day of the festival, over 20 films belonging to the Portuguese animation studio, Filmografo, were screened in the festival center hall. Abi Feijo, Filmografo director and a member of the jury in the International Competition section of the 3rd TIAF, talked to the audience afterward.

